

بسم الله الرحمن الرحيم

مواجه شدن امریکا با رکود اقتصادی

(ترجمه)

ترامپ، رئیس جمهور امریکا گفته که ممکن است اقتصاد کشورش به دلیل ویروس جدید کرونا با رکود اقتصادی مواجه شود. هم چنان روز پنجشنبه، بانک مرکزی امریکا اظهار داشت که امریکا به دلیل عواقب منفی اقتصادی ویروس کرونا در رکود اقتصادی قرار گرفته و رکود ناشی از این مرض دیگر قابل پیشگیری نیست.

همانطوری که مایکل مایر، اقتصاددان بانک مرکزی امریکا گفت: «ما به طور رسمی سقوط اقتصاد ایالات متحده امریکا را در رکود اعلام می کنیم تا به سایر نقاط جهان بیوندیم. سقوط با صدای بلند و عمیق بود.» وی ادامه داد: «شغل، ثروت و اعتماد از بین خواهد رفت. این بانک انتظار دارد که اقتصاد در ربع دوم دچار آسیب شده و 12 درصد کاهش یابد.»

من بالای خبرهایی که بر واقعیت رکود، افت و انزوای آنی تأکید می کند، اعتماد زیاد ندارم. پس از لغو پشتوانه طلا برای بانکوتها در امریکا در 1972م که بزرگترین چاره جویی جهانی از یک بحران بزرگ بود، حساب اعتباری شروع به رشد کرد و مصرف با کمک وام به صورت مصنوعی افزایش یافت که متعاقباً رشد صنعت را در پی داشت. بدهی هایی که در آینده نمی شد آنرا بدست آورد، افزایش یافت؛ زیرا سایر نشانه ها بیان گر آن اند که حدود 30 درصد شرکت های غربی، از جمله شرکت های امریکایی که درگیر آن هستند، در واقع همه ورشکسته اند؛ اما آن ها با کمک وام ها، تحت "تنفس مصنوعی" زندگی به سر می برند که می توان به طور نامحدود تا لحظه سقوط تمام سیستم اقتصادی آنرا به دست آورد. کاملاً مشهور است که بانک های مرکزی مقدار سود را کاهش داده و پول بیشتری را چاپ می کنند که عقبه و پشتوانه ندارد؛ بلکه به صورت وام به شرکت ها می دهند. این پول هایی که بدون عقبه و پشتوانه چاپ شده است، مانع رکود و بحران نمی شود؛ اما نظر به حجم بحران، می تواند تا اندازه ای آن را به تعویق اندازد، حتی برخی از این کشورها راه حل را از دست داده و زمین گیر شده اند. نخست وزیر ایتالیا می گوید که ایتالیا کنترل مهار ویروس کرونا را کاملاً از دست داده و راه حل زمینی به پایان رسیده و به آسمان واگذار شده است!

بحث نباید در ورای رویاها و دغدغه احساسات و به تصویر کشیدن بحران با سقوط و غرق شدن در رویاها باشد، چون این امر در مخالفت و تناقض با سنت الهی در جهان قرار می گیرد. مبدأ نظام سرمایه داری از زمان ایجادش اساس بحران ها بوده و این چیزی جدیدی نمی باشد. از رکود بزرگ در سال 1929م تا سال 2008م و تاکنون دخل بحران می باشد؛ اما این نظام در حال جستجوی یافتن راه حل های موقت و از بین بردن بحران ها به گونه ای دیگری است؛ ولی پرسش اجتناب ناپذیر اینست که برای چه مدتی این ترفند باقی خواهد ماند؟ زیرا به خواست الله متعال، سقوط واقعی و اجتناب ناپذیر در آینده به دست سرزمینی خواهد بود که این کیان ها را متواری کند. به عنوان مثال: کمونیزم و نهاد سیاسی آن بدون درگیری، از جانب دیگر احزاب سقوط کرد که این موضوع بعد از سقوط مبدأ سرمایه داری به عنوان یک ایده در عمل کرد دولت های سرمایه داری می باشد. اکنون این گفتگو بر روی نهادهای سیاسی که بر جهان حاکمیت داشته و دارای نفوذ جهانی یا منطقه ای و یا قدرت مرکزی اند، به دور از نفوذ و تأثیر خارجی می باشد.

با اطمینان خاطر می‌توان گفت که بحران‌های پی‌درپی به ناچار آن‌ها را به طور ناموزون ضعیف می‌کند که در نتیجه باعث می‌شود تا برخی از آن‌ها از صحنه درگیری در نتیجه کشمکش‌ها میان خودشان خارج شوند و کسان دیگری از آنان با جراحات‌های وارده از قیود و بحران‌ها باقی بمانند؛ زیرا انکار تأثیر و فشار این بحران‌ها بر این قدرت‌ها نیز معضلی در تفکیر سیاسی و برداشت غلط از واقعیت‌ها می‌باشد. بدون شک تأثیرات آن بر این کیان‌ها، با درنظرداشت علل و محدودیت‌های فروپاشی قبلی که در وهله اول مورد توجه قرار نگرفته خیلی بزرگ خواهد بود؛ اما بدون شک این شکست انتظار یک نهاد سیاسی دیگری را دارد که در مخالفت با اساسات فکری و فرهنگی آن قرار داشته باشد. این نهاد باید حامل مبارزه فکری با نهاد قبلی (غرب) باشد؛ آن‌هم در صورتی که برای غرب باورهای باقی بماند که پس از کنارگذاشتن ایده‌ها، نظریه‌ها و مدارس خود، مورد بحث و گفتگو قرار بگیرد، مردم اعتماد به نفس خود را نسبت به نظام شان از دست دهند و در همه زمینه‌های سیاسی و اقتصادی با آن مبارزه کنند.

بنابر این، این یک مرحله حساس و دقیقی است که ما را مجبور می‌کند تا از انتظار و رویاها دست بکشیم و این همان چیزی است که باید مبارزان و سیاست‌مداران امت خواستار آن باشند. الله متعال را سپاسگزاریم، کسانی که آگاهانه عمل کردند، معتقدند که موفقیت رهبری فکری اسلامی در ازسرگیری زندگی اسلامی و دستیابی به وعده الله متعال و پیروزی در برقراری خلافت، موردی است که زمان خاص آن را فقط و فقط الله متعال می‌داند و بس. با این حال، عمل نمودن پس از آگاهی فکری و سیاسی در روند تغییر که این قول الله متعال مصداق آن می‌باشد، پیروزی را در قبال دارد.

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ (سوره رعد آیه 11)

ترجمه: الله حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که خود آن قوم حال شان را تغییر دهند (و از نیکی به بدی بشتابند).

این امریست که بستگی به میزان اراده آگاهانه آنان بر اتخاذ دلایل پیروزی دارد:

﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ (سوره محمد آیه 7)

ترجمه: شما اگر الله را یاری کنید (یعنی دین و پیامبر الله را) الله هم شما را یاری کند و ثابت قدم گرداند.

برای دستیابی به نصرت الله متعال و بازگشت اسلام، در موجودیت بیداری با هردو نوع آن بر علاوه اسباب و سنت‌های الله متعال در رابطه به تغییر و موجودیت اراده تغییر، تحقق پذیر خواهد بود.

در اخیر باید گفت: هرچند اگر کفر قوی باشد، با وجود لرزش‌هایی که آن را آزار داده و به طور موقت تضعیف کرده باشد، حتی اگر باعث شود که از بحران‌های وارد شده به ناله آید و به بالین افتد؛ مگر سقوط کامل، که مرگ است، فقط در دست یک نهاد سیاسی مبدئی خواهد بود؛ زیرا بحث کنونی بعد از سقوط فکر غربی بحث کیان‌ها و سلطه‌هاست؛ نه مبادی و ایدیولوژی‌ها. امت اسلامی تحت رهبری خلافت، که به خواست الله متعال به زودی قایم خواهد گردید، در اوج قدرت خود از این قدرت‌ها قوی‌تر است، پرسش اینست که چگونه؟ در حالی که ضعف و ناتوانی دامن‌گیر آن است، به سه سبب زیر بر می‌گردد:

اول: امت دارای یک دیدگاه سیاسی معنوی همه‌شمول از جهان، انسان و زندگی است که به عنوان یک انسان به مشکلات بشر می‌پردازد و این یک دیدگاه درست است که ذهن را قانع ساخته، موافق با فطرت بوده و قلب را اطمینان می‌بخشد. این یک فکره و دیدگاه پویا است که غرب سرمایه‌داری را در هراس می‌افکند.

دوم: امت دارای برخی از امکانات مادی از قبیل ثروت و انرژی‌هایی است که هیچ‌کس دیگر از آن برخوردار نیست.

سوم: موجودیت رهبری سیاسی مبدئی برای حاکمیت، حوزه سیاسی، احزاب و اکثریت امت اگرچه به اجماع هم نباشد.

موجودیت این سه گزینه در نهادهای سیاسی موجود به زودی به خواست الله متعال، موجب تغییر اساسی و کیفی در موازنه بین‌المللی قدرت خواهد شد، سپس این نهاد به راحتی باقی‌مانده کیان غربی سرمایه‌داری را که به دلیل زخم‌ها و بحران‌ها از بین رفته و تحمل خود را از دست داده‌اند، پس از یک چشم‌به‌هم‌زدن متأثر می‌سازد و الله به این امر قادر است. الله متعال می‌فرماید:

﴿الْم * غَلَبَتِ الرُّومُ ۚ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِّنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ ۚ فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدِ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ ۚ بَنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۚ وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (سوره روم آیات 1-6)

ترجمه: الف لام میم، رومیان مغلوب شدند، در نزدیک‌ترین سرزمین [خود به حجاز که نواحی شام است] و آنان پس از مغلوب شدن‌شان به زودی پیروز خواهند شد، [البته] در ظرف چند سال عاقبت و نتیجه کار پیش [از مغلوب شدن رومیان] و پس [از پیروزی رومیان] فقط در سیطره اراده و فرمان الله است و آن روز [که رومیان پیروز شوند] مؤمنان شادمان و خوشحال خواهند شد، به سبب نصرت و یاری الله [آری او] هرکس را بخواهد یاری می‌دهد و تنها او توانایی شکست ناپذیر و مهربان است. الله این وعده را داده است و الله از وعده‌اش تخف نمی‌کند، ولی بیشتر مردم معرفت و شناخت [نسبت به وفای قطعی الله در مورد وعده‌اش] ندارند.

برگرفته از جریده‌الرایه

نویسنده: استاد حسن حمدان

مترجم: عمر موحد

تاریخ نشر: 2020/3/25

#کرونا

#Corona

#Covid19